

تحلیل آسیب‌شناسی سازمانی آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان بر اساس مدل سه‌شاخکی

مسعود حسینی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی مرکز تحصیلات تکمیلی دانشگاه پیام نور

hasani_masood@yahoo.com

علی باصری

استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

baseridon@yahoo.com

ثریا خرمی

دانشجوی دکتری مردم‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی و کارشناس بین‌الملل بنیاد سعدی

Sorayakhorami_2001@yahoo.com

چکیده

این پژوهش با هدف آسیب‌شناسی سازمانی آموزش زبان فارسی در جهان انجام شده است. تا کنون مطالعات مختلف و پراکنده‌ای در این زمینه انجام شده اما ۱. ضرورت نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیب‌های سازمانی آموزش زبان فارسی در قالب یک پژوهش ساختارمند؛ ۲. بدست آوردن یک الگوی بومی با تأثیرپذیری از الگوی تأیید شده مدل سه شاخکی همچنین ۳. یافتن نتایج کاربردی به‌روز از تمام منابع و امکانات، نگارندگان را بر آن داشت تا پژوهش کاربردی حاضر را به‌انجام رسانند. از آنجا که رویکرد پژوهش حاضر از نوع کیفی است، اعتباراً ۱ (روایی) و اعتماداً ۲ (پایایی) پژوهش از راهبردهای ۱. تماس طولانی با محیط پژوهش ۲. مشاهده مستمر ۳. بررسی از زوایای مختلف ۴. تبادل نظر با هم‌تایان ۵. تحلیل موارد مثبت و منفی ۶. کفایت مراجع انجام شده است. تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها نیز، مشاهده، مصاحبه و مطالعات اسنادی و تحلیل داده‌ها مبتنی بر استنباط و درون‌فهمی محقق است. تحلیل یافته‌ها نشان داد عامل اقتصاد نقش اصلی را دارد. نکته قابل توجه دیگر عوامل رفتاری و محتوایی است که با توجه به تأثیر و پیوستگی عوامل ساختاری نیاز به برنامه‌ریزی جدی در این زمینه دارد. همچنین کانون توجه مطلعین کلیدی به سمت مسائل فردی و رفتاری (درون-سازمانی) بوده است. بنابراین جای دارد شناخت جامعه مخاطبان و گروه‌های هدف امری اولویت‌دار در برنامه‌ریزی‌ها باشد.

چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹

کلید واژه: آسیب‌شناسی سازمانی، آموزش زبان فارسی، مدل سه‌شاخکی، عملکرد، خارج از کشور.

۱. مقدمه و بیان مسأله

اقتدارحقیقی در جهان امروز، اقتدار فرهنگی است و یکی از راه‌های مهم رسیدن به چنین اقتداری، آموزش و انتقال زبان و ادبیات به مردم جهان است. زبان فارسی تصویرگر زنده اندیشه غنی و آرمان‌های بدیع ایرانیان در امتداد تاریخی کهن است که از دیرباز در خارج از قلمرو حکومت ایران، حضور مؤثر داشته و آثار شاعران و نویسندگانی چون فردوسی، بیهقی، خیام، عطار، مولوی، سعدی و حافظ، چهره‌ای جهانی از آن ساخته است. زبان فارسی با ظرفیت‌های جهانی‌اش همواره توجه و علاقه اندیشمندان بین‌المللی را آن‌چنان به خود جلب کرده که خواستار فراگرفتن این زبان و آشنایی با فرهنگ ایرانی - اسلامی نهفته در ذخایر ادبی و علمی آن شده‌اند. یادگیری و شناخت این زبان برای غیر ایرانیان و به‌ویژه مستشرقان، به معنای فهم عمیق تحولات اندیشه انسان ایرانی در طول زمان است. هر چند امروزه حضور و نفوذ زبان فارسی در فراسوی مرزهای ایران بسیار کمتر از گذشته است، اما هنوز در بسیاری از نقاط جهان، شور و شوق زیادی برای آموختن زبان فارسی دیده می‌شود و زمینه‌های مساعد، موجبات و انگیزه‌های گوناگونی برای فارسی‌آموزی در خارج از کشور وجود دارد.

¹ Validity

² Reliability

در دنیای امروز، مدیریت آموزش فرامرزی زبان ملی، به عنوان یکی از وظایف اساسی بسیاری از دولت‌ها و از مؤلفه‌های مهم «دیپلماسی عمومی» محسوب می‌شود. انگلیسی‌ها نزدیک به یکصد سال است که از طریق شورای فرهنگی بریتانیا این مدیریت را برای زبان انگلیسی اعمال می‌کنند. فرانسوی‌ها با تلاش بسیار، حضور زبان فرانسه را در سطح جهان، با مدیریت و برنامه‌ریزی مؤسسه آلیانس حفظ می‌کنند. آلمانی‌ها نیز با مؤسسه گوته به این مهم می‌پردازند. در جمهوری اسلامی ایران هم متولیان این امر مرکز گسترش زبان فارسی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، شورای گسترش زبان فارسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اداره کل امور بین‌الملل وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری بودند. به سفارش شورای عالی انقلاب فرهنگی در مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی در سال ۱۳۹۰ "آسیب‌شناسی دستگاه‌های متولی گسترش زبان فارسی" انجام شد، شواهد نشان داد که در این سال‌ها این دستگاه‌ها عملکرد چندانی موفق نداشته‌اند که دلایل آن به شرح زیر است: (صادقی، ۱۳۹۰: ۱۴-۵)

الف) آسیب‌های حوزه سیاستگذاری: ۱. عدم توجه به مخاطب‌شناسی؛ ۲. عدم استفاده از ظرفیت‌های تبلیغی و رعایت نکردن بایسته‌های رسانه‌ای؛ ۳. کم توجهی به جایگاه خاص سازمان‌های مردم‌نهاد؛ ۴. جایگاه ضعیف قانونی نهادهای گسترش زبان فارسی در خارج از کشور؛ ۵. برخورد انفعالی و نداشتن برنامه راهبردی

ب) آسیب‌های حوزه ساختاری: ۱. نبود مرکز سیاستگذاری و هدایت نهادهای گسترش زبان فارسی در خارج از کشور؛ ۲. عدم تعریف و تعیین نقش‌ها و وظایف نهادهای مربوط به امر گسترش زبان فارسی در جهان؛ ۳. نبود سازوکار ارزیابی و نظارت قوی جهت ارزیابی عملکردها و میزان و کیفیت تحقق برنامه‌ها؛ ۴. تخصصی نبودن وظایف هر دستگاه و تداخل در امور یکدیگر؛ ۵. کمبود بودجه مطلوب برای این امر؛ ۶. عدم مدیریت مطلوب در رابطه با امکانات محدود مالی؛ ۷. بی‌توجهی دستگاه‌های متولی به کارویژه‌های تعریف‌شده خود؛ ۸. ناهماهنگی میان نمایندگی‌های سیاسی و نمایندگی‌های فرهنگی ایران در خارج از کشور، در جریان انجام صحیح امور مربوط به زبان فارسی

پ) آسیب‌های حوزه اجرایی: ۱. عدم انسجام و وحدت رویه میان سازمان‌های مرتبط؛ ۲. عدم هم‌افزایی فعالیت‌های سازمان‌های مرتبط؛ ۳. عدم تناسب جایگاه سازمانی این نهادها با شأن و موقعیت زبان فارسی؛ ۴. توجه ناکافی این سازمان‌ها به امر خطیر آموزش زبان ملی به خارجیان و عدم به‌کارگیری همه امکانات در این خصوص، به دلیل اهمیت موضوعات دیگری که به عهده ایشان گذاشته شده بود.

ت) آسیب‌های حوزه آموزشی: ۱. بی‌توجهی نسبت به ارائه منابع آموزشی و شیوه‌های صحیح آموزشی، بر اساس نیازسنجی و مخاطب‌شناسی؛ ۲. عدم بهره‌برداری مطلوب از فناوری‌های جدید؛ ۳. عدم تدوین استانداردهای آموزشی؛ ۴. عدم استفاده مطلوب از ظرفیت‌های فرهنگی موجود در جامعه مخاطب؛ ۵. ناکافی بودن تعداد استادان اعزامی؛ ۶. کمبود منابع آموزشی.

با توجه به آسیب‌شناسی انجام‌شده، معلوم شد برای رفع مشکلات این فعالیت فرهنگی، یک نهاد مستقل با مدیریت واحد ضرورت دارد؛ حاصل تصمیم‌گیری شورایی انقلاب فرهنگی در تاریخ ۸/۸/۸۹ در این زمینه، تصویب اساسنامه بنیاد سعدی و راه‌اندازی آن در سال ۱۳۹۱ بود. «هنگام شروع کار این بنیاد و در مطالعات راهبردی اولیه، مشاهده شد وضع زبان فارسی در عرصه بین‌المللی نشان‌دهنده سیر نزولی جایگاه و موقعیت آن در طول یک‌صد سال اخیر است. صد سال پیش، تعداد کرسی‌های زبان و ادبیات فارسی نسبت به امروز بسیار بیشتر و گسترده‌تر بود؛ در طول یک‌صد سال اخیر، آموزش زبان فارسی که در بسیاری از مدارس کشورهای آسیای شرقی از جمله کشورهای حوزه شبه‌قاره هند و آسیای مرکزی و قفقاز رایج بود، به تدریج متوقف شد؛ نسل اول و دوم ایران‌شناسان و استادان زبان فارسی پرآوازه و تأثیرگذار غیر ایرانی در خارج از کشور، یک به یک چشم از جهان فرو بستند، بی‌آنکه جایگزین‌های همانندی داشته باشند؛ انگیزه و اقبال دانشجویان خارجی برای انتخاب رشته زبان و ادبیات فارسی به دلایل اقتصادی و سیاسی، روز به روز کم‌رنگ‌تر شده و ترجمه و تحقیق و تألیف در زمینه زبان و ادبیات فارسی در خارج از کشور، به دلیل محدودیت‌های مالی، رونق گذشته خود را از دست داده است. بر این اساس، وجود برنامه‌ای جامع و هماهنگ، برای اصلاح و جلوگیری از این روند نزولی و پیشگیری از وقوع فاجعه نابودی زبان فارسی، اهمیت و ضرورت یافت تا مطالعه گسترده‌ای از منابع موجود و دریافت شناخت نسبی از جوامع مخاطب صورت گیرد» (سند راهبردی، ۱۳۹۶) بدست آوردن فرصت‌ها، تهدیدها، نقاط قوت و نقاط ضعف ماحصل بیش از ۶۰ جلسه کارشناسی و شورای راهبردی در راستای تدوین سند راهبردی آموزش زبان و ادبیات فارسی در بنیاد سعدی بود. با وجود آن آسیب‌شناسی جامعی از مشکلات آموزش زبان و ادبیات فارسی در جهان که در یک قالب ساختارمند ارائه شود صورت پذیرفته و بررسی اغلب به‌طور پراکنده و محدود به یک

یا چند بعد بوده است. با این توصیف لازم است آسیب‌شناسی سازمانی کارآمد و اثربخشی در حوزه آموزش و گسترش زبان فارسی در خارج از کشور انجام گیرد تا با ارائه مدلی ساختارمند از تحلیل داده‌ها بتوان در رفع مشکلات با برداشتن گام‌های اساسی، سیاستگذاری و برنامه‌ریزی راهبردی انجام داد. چرا که داشتن دید سیستمی و نظام‌مند به بررسی ابعاد مختلف آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی در جهان ما را به شناخت ریشه‌های مشکل رهنمون می‌سازد. بنابراین، ضرورت نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیب‌های حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی در جهان و بررسی آنها در قالب یک مدل جامع هدف این مقاله است.

۲. روش تحقیق

به منظور دستیابی به داده‌های دست اول و درون فهمی موضوع، سنت و رویکرد پژوهش کاربردی حاضر از نوع کیفی است. اعتبار^۲ (روایی) و اعتماد^۳ (پایایی) پژوهش از راهبردهای ۱. تماس طولانی با محیط پژوهش ۲. مشاهده مستمر [۱] ۳. بررسی از زوایای مختلف ۴. تبادل نظر با هم‌تایان ۵. تحلیل موارد مثبت و منفی ۶. کفایت مراجع [۲] ۷. کنترل از سوی اعضاء (رک حریری، ۱۳۸۵: ۶۶-۷۰) محقق می‌گردد. تکنیک‌های جمع‌آوری داده‌ها مشاهده، مصاحبه و مطالعات اسنادی است. تحلیل داده‌ها مبتنی بر استنباط و درون فهمی محقق است. لازم به ذکر است در مصاحبه‌های ساخت‌نیافته‌ی باز (عمیق) صورت گرفته شیوه‌ی تحلیل متمرکز بر معنا^۴ از نوع تلخیص معنایی^۵ [۳] یعنی خلاصه‌بندی معانی بیان‌شده به وسیله مصاحبه‌شونده در قالب جمله‌های کوتاه‌تر است.

۳. فرایند آسیب‌شناسی سازمانی صورت گرفته

در آموزش زبان فارسی بخشی از موضوع بحث آموزش زبان فارسی بر اساس نظریه‌های یادگیری و آموزش زبان است و بخش دیگر آن محتوای آموزشی است که بر اساس فرهنگ و ادبیات فارسی ایران انجام می‌شود. بنابراین یک مواجهه موضوعی پیش می‌آید که انجام یک مطالعه‌ی نظام‌مند را درگیر دامنه‌ی گسترده‌ای از حیطه‌های موردبررسی خواهد نمود. آسیب‌شناسی سازمانی امر آموزش زبان فارسی همچنین نیازمند همکاری بخش‌های مختلف اجتماع انسانی و نهادها و مؤسسات کاربردی است که از جمله آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: استادان اعزامی وزارت علوم، سفیران و نمایندگان فرهنگی ج.ا. ایران در خارج، کارشناسان داخلی حوزه آموزش زبان، کارشناسان وزارت علوم، سامان فرهنگ و ارتباطات اسلامی و بنیاد سعدی.

قسمت بسیار مهمی از موضوع مربوط به چگونگی به دست آوردن اطلاعات از گروه‌های انسانی مورد مطالعه است و روش اصلی و پایه در این مطالعات مبتنی بر اطلاع‌یابی به شیوه‌ی مستقیم و جمع‌آوری داده‌های خام است. این گونه اطلاعات که در بیشتر مطالعات انجام‌شده پیشین از افراد خیره به دست آمده است، (می‌تواند دامنه‌ای از روش‌های جمع‌آوری اطلاعات به شیوه‌ی بسیار ساختارمند همچون پرسشنامه‌های طراحی شده تا روش کاملاً بدون ساختار مثل دیدار و گفتگوی آزاد باشد) (محمدپور، ۱۳۸۹) قسمت دیگر مسئله مربوط به ویژگی‌های فرهنگی و اهمیت آن در بدست آوردن الگوی بومی این آسیب‌شناسی است. همگن بودن زبانی، قومی و فرهنگی باید پایه اولیه و اصلی مناطق مورد مطالعه باشد (همان) ویژگی‌های فرهنگی به محقق خواهد گفت که باید در پی چه شکلی از داده‌های اطلاعاتی باشد و از چه روش‌هایی می‌تواند برای به دست آوردن این اطلاعات استفاده نماید. به ضرورت چنین ملاحظه‌ای، کارشناسان منطقه‌ای سازمان‌های متولی آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان به‌عنوان محققین اصلی با جمع‌آوری داده‌ها و اطلاعات و مطالعه‌ی طیف گسترده‌ای از اسناد، منابع، کتب و مدارک آن مناطق یا کشورها در بدست آوردن آسیب‌های این پژوهش سهم بسزایی داشتند. بر این اساس، برای رسیدن به نتایج واقعی از ظرفیت شوراهای راهبردی بنیاد سعدی نیز که با همین موضوع تشکیل شدند استفاده شده است. جهان به ۱۰ منطقه کارشناسی تقسیم و طی دو سال ۲۰ جلسه شورای راهبردی برگزار شد. نتایج آن داده‌هایی درباره‌ی نقاط قوت و ضعف (داخلی) و فرصت‌ها و تهدیدها (خارجی) بود که با نتایج مطالعات اسنادی همگن شده و بخشی از داده‌های این مقاله را تشکیل داده است. بخش دیگر بدست دادن الگوی آسیب‌شناسی سازمانی است که باید بر اساس درک نحوه کار سازمان‌های متولی و محیط مخاطبان پایه‌گذاری

1 Qualitative Research

2 Validity

3 Reliability

4- Interview Analysis Focusing on Meaning

5- Meaning Condensation

شود. برای این امر هم از یک سو آسیب‌شناسی‌های قبلی در این حوزه مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و از سوی دیگر با بررسی الگوهای آسیب‌شناسی سازمانی تلاش شده است تا الگویی نظام‌مند از آسیب‌های آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان ارائه شود.

۴. مطالعه ادبیات تجربی موضوع

همانطور که اشاره شد، در ابتدا سعی شده است تمام پژوهش‌هایی که در مورد آسیب‌های آموزش زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران وجود دارد شناسایی و مطالعه شوند. این منابع به همراه موضوع در جدول ۱ معرفی شده است.

جدول ۱: مروری بر ادبیات تجربی موضوع

عنوان پژوهش	نویسنده/نویسندگان	نحوه انتشار و سال پژوهش	موضوع محوری	مدل بکاررفته
آسیب‌شناسی دستگاه‌های متولی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور	زهرا استادزاده/ ارسلان قربانی	همایش، ۱۳۹۰	آسیب‌شناسی در سه حوزه سیاستگذاری، ساختاری و فرایندی	ندارد
بررسی مشکلات و موانع آموزش زبان فارسی در فضای مجازی	مهدی اسلامی	همایش، ۱۳۹۰	تحلیل مشکلات و موانع فرا روی مراکز ارائه دهنده و مجری مسائل آموزشی (مشکلات نرم-افزاری-محتوایی)	ندارد
ترویج و تقویت زبان و ادبیات فارسی در مصر، فرصت‌ها؛ چالش‌ها	ابوالفضل رحمانی/ دکتر فرامرز میرزایی	همایش، ۱۳۹۰	ارائه راه‌کارهایی برای گسترش زبان و ادبیات فارسی در مصر	ندارد
چالش‌هایی (فرصت‌ها و محدودیت‌های) آموزش زبان و ادبیات فارسی به دانشجویان خارجی عرب زبان	دکتر علی صفایی	همایش، ۱۳۹۰	تبیین فرصت‌ها، محدودیت‌ها، مشکلات و توانمندی‌ها و ارائه راه-کارهایی برای بهبود وضعیت تدریس زبان و ادبیات فارسی	ندارد
چالش‌ها و راه‌کارهای گسترش زبان فارسی در اقلیم کردستان	دکتر نادر کریمیان سردشتی	همایش، ۱۳۹۰	مشکلات و موانع و راه‌کارهای گسترش زبان و ادبیات فارسی به-ویژه در دانشگاه سلیمانیه و صلاح-الدین اربیل	ندارد
کاستی‌های سازمانی و آموزشی در ترویج زبان و ادبیات فارسی	محمدرضا موحدی	همایش، ۱۳۹۰	کاستی‌های سازمانی و کاسی-های آموزشی بر اساس تجربه حضور در کشورهای قزاقستان، هند، بنگلاد و جمهوری چک	ندارد
آسیب‌شناسی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان از دیدگاه استادان با سابقه «به سوی طراحی یک الگوی کارآمد»	نسرین آقایی	پایان‌نامه، ۱۳۹۲	یافتن بهترین شیوه برای آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و در نهایت یافتن الگوی کارآمد جهت این مهم	روش Q
آسیب‌شناسی آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان	نرگس گنجی	همایش، ۱۳۹۰	بازشناسی مدرسان، کتب، واژه-نامه‌ها و نرم‌افزارها و بررسی تأثیرات سلبی شباهت‌ها و تفاوت‌های دو زبان فارسی و عربی بر یادگیری	ندارد
بررسی مشکلات بین‌زبانی آموزش زبان فارسی و راه-کارهای گسترش زبان فارسی	فاطمه جعفری	همایش، ۱۳۸۷	بررسی مشکلات و ارائه راهکارها از جمله منابع واقعی، منابع دیداری-شنیداری، افزایش زمان	ندارد

	دوره آموزش، استادان و تهیه و تدوین مطالب درسی			
swot	شناسایی نقاط قوت، ضعف، فرصت‌ها و تهدیدها و ارائه سیاست و برنامه بر اساس آنها	کتاب، ۱۳۹۶	گروه مؤلفان	سند راهبردی حفظ، آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان
ندارد	۳. راهبردهای گسترش زبان فارسی در خارج از کشور	1390/03/04	آقای محمد مسعود صادقی / آقای سیدعلی کشفی	بررسی وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
ندارد	۴. آسیب شناسی دستگاه‌های دولتی متولی گسترش زبان فارسی در خارج از کشور	1390/05/25	آقای محمد مسعود صادقی	وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران

شایان ذکر است برای آسیب‌شناسی آموزش زبان فارسی همایش‌هایی از جمله همایش ملی واکاوی منابع آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان (۱۳۹۵) برگزار شده است که تنها یکی از ابعاد آموزش در آن پررنگ بوده است همچنین موضوع‌های خاصی نیز در حوزه آسیب‌شناسی کار شده مانند مقاله خانم ندا سام با موضوع مشکلات و راه‌کارهای آموزش تلفظ زبان فارسی به چینی‌ها (۱۳۹۰) که تنها به یک بعد آموزش در آسیب‌شناسی توجه کرده است. هدف ما در این پژوهش تحلیلی بر آسیب‌شناسی سازمانی آموزش و گسترش زبان فارسی در تمام ابعاد آن در خارج از ایران خواهد بود.

۵. چارچوب مفهومی
 آسیب‌شناسی فرایندی است نظام‌مند از جمع‌آوری داده‌ها به منظور تعامل اثربخش و سودمند در راستای حل مشکلات، چالش‌ها، فشارها و محدودیت‌های محیطی در سازمان (اندر و مانزینی، ۲۰۰۵) آسیب‌شناسی سازمان در قالب مدل‌های متفاوتی ارائه شده است که به اختصار برخی از آنها معرفی می‌گردند:

- مدل ماروین وایزبوردر (۱۹۸۵) شش بعد پیشنهاد کرده است شامل: اهداف، روابط، ساختارها، رهبری، سیستم پاداش و مکانیزم‌های مفید هماهنگی (رحیمی و همکاران، ۱۳۸۹).

- مدل مدیریت منابع انسانی با رویکرد عارضه‌یابی^۱: این مدل توسط میلکوویچ و بودریو^۲ ارائه شد که شامل برنامه‌ها و فعالیت‌هایی است که برای بهبود عملکرد کارکنان باهدف: حل مشکلات فعلی عملکرد؛ جلوگیری از مشکلات و چالش‌های آتی عملکرد طراحی شده است (Milkovich & Boudreau, 2004).

- مدل S7 مک‌کنزی: این کار ابتدا توسط واترمن، پیترز و فیلیپس (۱۹۸۰) چارچوبی برای نگرش و بررسی سازمان ارائه گردید. آنها معتقد بودند که تغییر و حرکت سازمانی متأثر از تعامل میان هفت بعد است شامل: ساختار^۳، استراتژی^۴، سیستم‌ها^۵، شیوه‌ی مدیریت^۶، کارکنان^۷، مهارت‌ها^۸، ارزش‌های مشترک^۹.^{۱۱} از آنجایی که پژوهش آنها در شرکت بنیاد مشاوران مک‌کنزی انجام شد به S۷ مک‌کنزی نیز مشهور است.

¹ pathology

² Weisbord Marvin

³ A Diagnostic Approach to Human Resource Management

⁴ Milkovich & Boudreau

⁵ structure

⁶ strategy

⁷ system

⁸ style

⁹ staff

¹⁰ skill

¹¹ Shared values

- مدل چهار فریمی (Clayton, 1990): در این مدل چهار فریم یا پنجره برای آسیب‌شناسی سازمان وجود دارد که عبارتند از: ۱. ساختار؛ ۲. منابع انسانی؛ ۳. سیاسی؛ ۴. نمادین و سمبلیک^۴.

- مدل بورک و لیتوین^۵: این مدل توسط لیتوین و همکارانش (لیتوین و استرینگر، ۱۹۶۸، تاگیوری و لیتوین، ۱۹۶۸) ایجاد شد و توسط بورک و لیتوین در ۱۹۹۲ بازنگری شد. دوازده مؤلفه در مدل شامل محیط بیرونی، مأموریت و استراتژی، رهبری، فرهنگ سازمانی، ساختار، اعمال مدیریتی، سیستم‌ها، جو واحد کاری، الزامات وظیفه و مهارت‌های افراد، انگیزش، ارزش‌ها و نیازهای فردی و عملکرد است.

۶. الگوی مفهومی پژوهش؛ مدل سه‌شاخکی:

این مدل توسط میرزایی اهرنجان‌ی در سه مقوله یا عامل رفتاری^۶، ساختاری^۷ و زمینه‌ای^۸ ارائه شد (مقیمی، ۱۳۸۳: ۱۶۲). منظور از عوامل رفتاری (محتوایی): تمام عوامل مربوط به نیروی انسانی که هم مخاطبان سازمان‌های متولی (مانند کارشناسان صف و ستاد) و هم مخاطبان مختلف آموزش زبان و ادبیات فارسی در جهان خواهد بود. عواملی شامل انگیزش، روحیه کار، استعداد یادگیری و ...؛ عوامل ساختاری: دربرگیرنده مجموعه روابط منظم حاکم بر اجزای داخلی سازمان‌های متولی آموزش زبان فارسی در جهان شامل قوانین و مقررات و عوامل زمینه‌ای یا محیطی نیز شامل محیط و شرایط بیرونی که عوامل رفتاری و ساختاری را ایجاد می‌کنند. الگوی آسیب‌شناسی سازمانی که برای موضوع آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان بکار گرفته می‌شود باید با توجه به درک کلی نحوه کار سازمان‌های متولی این امر و بر اساس شناخت محیط و مخاطبان صورت پذیرد. اولین گام در این زمینه شناسایی آسیب‌هایی است که لازم است بر اساس تقسیم‌بندی منطقه‌ای در آن مشخص شده باشد. چرا که اگر نخواهیم منطقه‌ای عمل کنیم با داده‌هایی پراکنده و نامشخص در جهان روبه‌رو خواهیم بود که نمی‌توانیم اولویت‌های اصلی مناطق را به‌درستی تشخیص دهیم تا بر اساس آن بتوان سیاست‌گذاری درستی انجام داد. بنابراین فهرستی از آسیب‌های شناسایی شده در مناطق مختلف تهیه شد. این آسیب‌ها همان نقاط ضعف سازمان‌های متولی آموزش و گسترش زبان فارسی در جمهوری اسلامی ایران است که در شوراهای راهبردی ذکر شده بدست آمده است. سپس این فهرست را با توجه به مدل سه‌شاخکی در سه بعد رفتاری، ساختاری و زمینه‌ای دسته‌بندی کردیم.

در ادامه ابتدا نقاط ضعف آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان به صورت منطقه‌ای ارائه می‌شود.

۷. نقاط ضعف سازمان‌های متولی در مناطق ده‌گانه

در تقسیم‌بندی منطقه‌ای سعی شده است تا با توجه به نزدیکی شرایط فرهنگی و زبانی دسته‌بندی صحیحی صورت پذیرد. لازم به توضیح است که بنا به ضرورت و متفاوت بودن سیاست‌گذاری‌های کلان سه کشور فارسی‌زبان افغانستان، تاجیکستان و ازبکستان به دلیل سابقه اشتراکات تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و از همه مهم‌تر اشتراک زبانی عمیق، به‌صورت مستقل و جدای از کشورهای منطقه آسیای مرکزی و قفقاز بررسی شدند.

۷-۱ کشورهای فارسی زبان

۱. نگاه برتری‌جویانه ما نسبت به مردم آن کشورها؛
۲. احساس تملک ما نسبت به تمدن ایرانی، زبان فارسی و جامعه فارسی‌زبان؛
۳. طرح مسائل ایدئولوژیکی در قالب آموزش زبان فارسی؛
۴. عدم به‌روزرسانی شیوه‌ها، ابزارهای آموزشی زبان و ادبیات فارسی، سرفصل‌های مناسب، متون آموزشی و...؛

1 Structural
2 HR
3 Political
4 Symbolic
5 Burke & Litwin
6 Content
7 Co-Structure
8 Context

۵. عدم جدیت سازمان‌هایی مانند میراث فرهنگی و گردشگری برای برنامه‌ریزی در زمینه روابط گردشگری میان مردم این کشورها؛ درحالی‌که کشورهای رقیب مانند ترکیه در این زمینه موفق عمل کرده‌اند؛
۶. عدم جدیت در اجرای کامل مفاد تفاهم‌نامه‌ها و موافقت‌نامه‌های مربوطه و در نتیجه بروز پیامدهایی چون کاهش اعتماد نسبت به ایران؛
۷. عدم حمایت کافی از نخبه‌های ایران دوست؛
۸. فعالیت محدود و کم اثر ما در حوزه رسانه‌های مختلف و فضای مجازی؛
۹. عدم اتخاذ سیاست خارجی مناسب در قبال تحولات اجتماعی-سیاسی تاجیکستان توسط دولت ایران که در نتیجه آن پیامدهایی همچون تعطیلی کلیه فعالیت‌های مربوط به آموزش خط و زبان فارسی ایران را در بر داشته است؛
۱۰. عدم برنامه‌ریزی صحیح در استفاده از تمام ظرفیت‌های موجود در زمینه رتبه‌های تحصیلی؛
۱۱. بی‌توجهی به بعد دیپلماسی عمومی و در نتیجه غفلت از ارتباط با مخاطبان عام؛
۱۲. برخورد انفعالی و عدم لحاظ حضور رقبای عرب و ترک در مدارس منطقه در برنامه‌های آموزشی؛

۲-۷ زبان فارسی در شبه‌قاره

۱. به‌روز نبودن بخش‌های زبان فارسی در دانشگاه‌ها؛
۲. نبود سرفصل‌های درسی دقیق و پراکندگی در متون درسی؛
۳. کمبود و یا فقدان متون، منابع و وسایل آموزشی و کمک آموزشی استاندارد و مطلوب زبان فارسی بر اساس ضرورت‌ها و مطالبات منطقه‌ای؛
۳. عدم مدیریت صحیح و نظام‌مند مراکز آموزش زبان فارسی و در نتیجه عملکرد سلیقه‌ای آنان؛
۴. کیفیت نامطلوب آموزش زبان فارسی در منطقه و ضعف استادان در گفت‌و شنود و عدم توانایی ارتباط به زبان فارسی؛
۵. عدم پاسخگویی مناسب جهت اعزام استاد به دانشگاه‌های متقاضی و کمبود استاد اعزامی ثابت برای دانشگاه‌ها و استاد موقت برای تدریس در دوره‌های دانش‌افزایی؛
۶. بالا بودن سن استادان و عدم برنامه‌ریزی جهت جایگزین کردن استادان جوان؛
۷. کمبود دوره‌های بازآموزی تخصصی برای استادان بومی منطقه؛
۸. عدم برنامه‌ریزی برای ارتقای روش تدریس به استادان زبان فارسی؛
۹. کمبود بودجه آموزش زبان فارسی نسبت به ظرفیت‌های موجود در منطقه؛
۱۰. عدم تناسب توانمندی‌ها و دیدگاه‌های برخی از مأموران اعزامی به منطقه در حوزه فرهنگی با اهداف گسترش زبان فارسی؛

۱۱. کیفیت پایین برنامه‌های اجرایی در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی و عدم ابتکار و نوآوری در فعالیت‌ها؛
۱۲. اجرا نکردن کامل برنامه‌های مصوب مربوط به آموزش زبان فارسی در زمان مقرر توسط نمایندگی‌های فرهنگی؛
۱۳. انعکاس اخبار و گزارش‌های تحلیلی ناقص و بی‌کیفیت از وضعیت آموزش زبان فارسی در منطقه؛
۱۴. عدم شناسایی و بهره‌مندی لازم از ظرفیت‌ها و امکانات دستگاه‌های فرهنگی منطقه و بومی‌سازی فعالیت‌ها؛
۱۵. عملکرد ضعیف نسبت به سایر رقبای در رابطه با فارسی‌آموزان و استادان و افراد مرتبط با زبان فارسی؛

۳-۷ منطقه آسیای مرکزی و قفقاز

۱. ضعف دستگاه‌های داخلی در ارسال کتاب و منابع آموزشی کافی؛
۲. فقدان سرفصل‌های تعریف شده برای دوره‌های زبان فارسی و کتاب‌های درسی مناسب؛
۳. عدم رعایت شیوه‌های آموزشی نوین و مناسب برای منطقه؛
۴. بهره نداشتن منابع انسانی اعزامی از مهارت‌های لازم برای حضور قوی در منطقه؛
۵. آمیزش متون زبان فارسی با مسائل ایدئولوژیک؛
۶. مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود بین سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران؛
۷. کمبود وسایل کمک‌آموزشی متنوع، مصور و باکیفیت؛

۸. استفاده از متون ضعیف زبان فارسی در دانشگاه‌های این کشورها و عدم تجهیز کتابخانه‌ها به منابع غنی فارسی؛
۹. عدم حمایت از مراکز ایران‌شناسی؛
۱۰. عدم شفافیت فعالیت‌های فرهنگی و تأثیر منفی آن در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی؛
۱۱. عدم استفاده بهینه از اتاق‌های ایران.

۷-۴ کشور ترکیه

۱. کندی کار در ایران و عدم همپایگی با تحولات روز ترکیه؛
۲. کم توجهی به فرصت حضور علوی‌های ترکیه در زمینه آموزش زبان فارسی؛
۳. وجود محدودیت‌های داخلی در برخی زمینه‌های فرهنگی برای استفاده از موسیقی و تئاتر و فیلم جهت استفاده در آموزش زبان فارسی؛
۴. کاستی در برآورده‌سازی نیازها و انتظارات طرف مقابل در زمینه‌های اجرایی، آموزشی و محتوایی زبان فارسی؛
۵. عدم وجود منابع تخصصی آموزش زبان فارسی برای ترک‌زبانان با نگاه محتوایی، با توجه به مفاهیم و موضوعات فرهنگی مشترک، مطالبات فرهنگی جامعه مخاطب و جریان‌های ادبی معاصر ترکیه؛
۶. عدم نگاه زبان‌شناسانه در تألیف کتاب آموزش زبان فارسی برای ترک‌زبانان و بهره‌گیری از شیوه‌های قدیمی آموزش زبان در برابر نیازهای روز افزون فارسی‌آموزان؛
۷. بهره‌گیری ناکافی از شبکه‌های ماهواره‌ای فارسی‌زبان و حجم کم برنامه‌های تلویزیونی و سینمایی ایران در مقایسه با برنامه‌ها و شبکه‌های گسترده ترکیه؛
۸. کاستی در ارسال امکانات، تجهیزات سمعی بصری و منابع آموزشی و کمک آموزشی به کرسی‌های آموزش زبان فارسی و اتاق‌های ایران؛
۹. فقدان نظام ارزشیابی هماهنگ در فرآیند آموزش و سنجش مهارت‌های چهارگانه آموزش زبان؛
۱۰. بی‌تجربه بودن شماری از استادان زبان فارسی در تدریس زبان فارسی به ترک‌زبانان و عدم تسلط کافی استادان ترک به مکالمه زبان فارسی و بهره‌گیری از زبان ترکی در آموزش ادبیات فارسی؛
۱۱. فقر منابع کتابخانه‌ای مانند کتاب‌های آموزش زبان فارسی، لغت‌نامه‌ها و آثار شاعران و بزرگان ادبیات فارسی.
- نقاط ضعف عمومی در شرق و جنوب شرق آسیا
۱۲. کمبود محتوای آموزشی مناسب و عدم دسترسی به منابع مناسب آموزشی با توجه به نوع مخاطب؛
۱۳. عدم آشنایی بسیاری از استادان اعزامی با زبان و فرهنگ کشورهای منطقه؛
۱۴. اجرایی نشدن مفاد مربوطه در موافقت‌نامه‌های فرهنگی؛
۱۵. عدم توانایی و امکانات لازم برای پوشش دهی جریان جذب فارسی‌آموزان؛
۱۶. عدم تلاش و اقدام جدی از سوی ایران برای حفظ کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورهای منطقه؛
۱۷. نداشتن منابع مناسب در زمینه ادبیات معاصر ایران.

۷-۵ جهان عرب

۱. ضعف در برنامه‌ریزی‌های راهبردی در دیپلماسی فرهنگی و عمومی در خاورمیانه؛
۲. ضعف در بهره‌گیری از ابزار نوین آموزشی - تبلیغاتی؛
۳. ضعف دستگاه‌های داخلی در انتخاب، تهیه و ارسال کتاب و منابع آموزشی کافی؛
۴. فقدان سرفصل‌های تعریف‌شده برای دوره‌های زبان فارسی و کتاب‌های درسی مناسب؛
۵. وجود صبغه تبلیغی، ایدئولوژیک و سیاسی در برنامه آموزش زبان فارسی؛
۶. عدم رعایت روش آموزشی نوین و مناسب برای منطقه؛
۷. بهره نداشتن منابع انسانی اعزامی از مهارت‌های لازم برای حضور قوی در منطقه؛
۸. عدم اطلاعات کافی منابع انسانی اعزامی از فرهنگ و جامعه مخاطب؛
۹. مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود بین سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران؛

۱۰. کمبود وسایل کمک آموزشی نوین، متنوع، مصور و باکیفیت؛
۱۱. عدم حمایت از مراکز ایران‌شناسی؛
۱۲. عدم شفافیت فعالیت‌های فرهنگی و تأثیر منفی آن در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی؛
۱۳. عدم تجهیز و بهره‌برداری بهینه بخش فارسی از اتاق‌های ایران؛
۱۴. عدم تعریف دقیق از متون، منابع و وسایل آموزشی و کمک آموزشی بادی‌های برنجی ضرورت‌ها و مطالبات منطقه‌ای با هدف استانداردسازی آنها؛
۱۵. عدم حضور استادان اعزامی اعم از استاد ثابت برای دانشگاه‌ها و استاد موقت برای تدریس در دوره‌های دانش‌افزایی؛
۱۵. به‌روز نبودن بخش‌های زبان فارسی در دانشگاه‌ها؛
۱۶. عدم ارتباط مستقیم فعال و تعامل سازنده با فارسی‌آموزان، استادان و افراد مرتبط با زبان فارسی، نسبت به عملکرد سایر رقبا؛
۱۷. عدم شناسایی و بهره‌مندی لازم از ظرفیت‌های قانونی و زیرساختی و امکانات دستگاه‌های فرهنگی منطقه و بومی‌سازی فعالیت‌ها؛
۱۸. عدم برنامه‌ریزی و توسعه روش تدریس نوین (و تعمیم معیارهای آزا) به استادان زبان فارسی در برخی کشورها؛
۱۹. در نظر نگرفتن معیارهای آموزش زبان فارسی به عرب‌زبانان؛
۲۰. زنده کردن اختلافات ایرانی - عربی و نژادی - قومی توسط برخی گرایش‌های فرهنگی در داخل؛
۲۱. اعزام نیروهای غیرمتخصص در زمینه زبان فارسی یا نداشتن آشنایی معلمان اعزامی با زبان عربی به این حوزه؛
۲۲. ادغام ایدئولوژی‌های دینی - مذهبی با آموزش زبان فارسی؛
۲۳. فقدان گزارش‌های مستند و دقیق از وضعیت زبان فارسی؛
۲۴. توجه نداشتن به دست‌یابی اشتراکات فرهنگی با گرایش‌های مخاطبان ما در آن جامعه.



۶-۷ منطقه اروپای غربی

۱. کمبود بودجه برای مراکز مرتبط با آموزش زبان فارسی؛
۲. عدم کفایت در اعزام استادان زبان فارسی به دانشگاه‌ها؛
۳. کمبود متون آموزشی مناسب برای آموزش زبان فارسی؛
۴. کمبود مدرسان مقیم و مجرب در زمینه آموزش زبان فارسی؛
۵. پیوند ضعیف دولتیاران در زمینه زبان فارسی؛ ملی آموزش زبان فارسی - ۱۳۹۹
۶. کمبود کتب درسی به ویژه در مقطع اول دبستان؛
۷. نبود امکانات آموزشی نوین مانند شبکه‌های ماهواره‌ای ویژه کودکان و همچنین آموزش آنلاین در حوزه آموزش زبان فارسی؛
۸. وضع نامناسب آزمایشگاه‌های زبان در دانشگاه‌ها و عدم به‌کارگیری امکانات نوین در عرصه رسانه‌های صوتی و تصویری؛
۹. عدم کفایت دوره‌های دانش‌افزایی برای استادان و کمک‌هزینه‌های سفر اعم از هزینه بلیت و اقامت؛
۱۰. عدم هماهنگی میان سازمان‌های فرهنگی ایرانی فعال در خارج از کشور مانند سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، وزارت امور خارجه، جامعه المصطفی و برخی نهادهای وابسته به حوزه علمیه قم در زمینه آموزش زبان فارسی؛
۱۱. عدم وجود شبکه ارتباطی و تعامل مطلوب میان کرسی‌های زبان فارسی؛
۱۲. عدم تشکیل کانون‌های دانش‌آموختگان و استادان زبان و ادبیات فارسی در اروپا؛
۱۳. عدم وجود دوره‌های آموزشی - فرهنگی مطلوب برای آشنایی استادان اعزامی درباره ویژگی‌های فرهنگی جامعه مخاطب؛
۱۴. نداشتن واژگان پایه، روش‌های آموزشی جدید و فقدان آزمون سطح‌بندی؛
۱۵. عدم برنامه‌ریزی به موقع برای اعلام زمان اعطای راتبه‌های علمی؛
۱۶. فقدان برنامه‌ریزی و پیش‌بینی‌های لازم در زمینه اشتغال فارسی‌آموزان از سوی نهادهای مسئول؛
۱۷. کمبود منابع آموزشی کاربردی زبان فارسی برای مخاطبان مختلف مانند خودآموز ویژه گردشگران، بازرگانان، دیپلمات‌ها

۱۸. کاهش حمایت ج.ا.ایران از کرسی‌های زبان فارسی در سال‌های اخیر؛
۱۹. عدم وجود برنامه‌ریزی راهبردی مطلوب در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی؛
۲۰. عدم آشنایی مدرسان ایرانی با زبان کشورهای مقصد؛
۲۱. سطح پایین ارتباطات دانشگاهی میان ایران و کشورهای اروپایی؛
۲۲. فقدان رشته زبان و ادبیات فارسی در مراکز اسلام‌شناسی و شرق‌شناسی برخی دانشگاه‌های اروپا؛
۲۳. به روز نبودن کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و ضعف منابع ادبی معاصر؛
۲۴. عدم پرداختن به ادبیات معاصر و توجه بیش از حد به آثار کلاسیک در دانشگاه‌ها؛
۲۵. کاهش تعداد استادان برجسته زبان و ادبیات فارسی به علت بازنشستگی و یا فوت؛
۲۶. پرداختن صرف به آثار خاصی از زبان فارسی معاصر مانند آثار سهراب سپهری، شاملو، فروغ فرخزاد و صادق هدایت؛
۲۷. بی‌توجهی به موضوع آموزش زبان فارسی به فرزندان ایرانیان مقیم اروپا؛

۷-۷ منطقه اروپای شرقی

۱. نداشتن شیوه و محتوای مناسب آموزشی و در نتیجه اعمال سلیقه در انتخاب متون درسی و روش تدریس زبان فارسی در دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی؛
۲. تمرکز بیشتر رایزن‌های فرهنگی بر روی فعالیت‌های دینی و در حاشیه قرار گرفتن فعالیت‌های مربوط به آموزش و گسترش زبان و ادبیات فارسی؛
۳. تخصص استادان اعزامی در حوزه ادبیات فارسی و متخصص نبودن آنها در زمینه آموزش زبان فارسی به غیر زبانان؛
۴. آثار منفی سوء مدیریت گسترش زبان فارسی در سال‌های قبل به دلیل عدم تمرکز فعالیت متولیان؛
۵. عدم تناسب لازم در اعزام استادان از سوی وزارت علوم به کشورهای مختلف؛
۶. عدم دقت در انتخاب افراد اعزامی اعم از استادان دانشگاه و روحانیون که منجر به تبلیغات سوء علیه ایران می‌شود؛
۷. عدم دسترسی به منابع مناسب آموزشی؛
۸. حمایت‌های مقطعی و غیر مؤثر ایران از گروه‌های آموزش زبان فارسی
۹. عدم تسلط کافی استادان بومی به مکالمه زبان فارسی و بهره‌گیری از زبان بومی در آموزش زبان و ادبیات فارسی؛
۱۰. ضعف حضور اقتصادی ایران در کشورهای منطقه؛
۱۱. نبود منابع تخصصی آموزش زبان فارسی ویژه مخاطبان زبان‌های مختلف منطقه؛
۱۲. کمبود منابع مالی؛
۱۳. ناکافی بودن کادر محلی؛
۱۴. عدم هماهنگی میان وزارت امور خارجه و نهادهای ذی‌ربط؛
۱۵. وقفه در برگزاری دوره‌های فراگیر آموزش زبان فارسی؛
۱۶. عدم تفکیک حوزه مخاطب عمومی با مخاطب تخصصی در آموزش زبان فارس؛
۱۷. عدم نظارت کافی بر کار استادان اعزامی زبان فارسی؛
۱۸. ادغام نگاه تبلیغی، مذهبی و سیاسی با مسائل زبان فارسی؛
۱۹. فقدان دانش، بینش و مهارت لازم در به‌کارگیری درست راهکارهای فرهنگی؛
۲۰. اتخاذ سیاست انفعالی برخی مسئولان فرهنگی در منطقه.

۷-۸ آمریکا

۱. فقدان رایزنی فرهنگی در آمریکا و کانادا؛
۲. فراهم نبودن زمینه‌های مطلوب برای ارتباط اساتید و مدرسان زبان فارسی با مراکز علمی و دانشگاهی ایران؛
۳. حضور منابع انسانی ضعیف در منطقه؛
۴. کمبود شناخت تخصصی رایزنان از اهداف، برنامه‌ها و فعالیت‌های بنیاد؛

۵. بی‌توجهی به: علاقمندان و حامیان زبان فارسی؛ نخبه‌های علاقمند به ایران؛ مدارس زبان فارسی یا مدارس آخر هفته و اساتید و مدرسان آموزش زبان فارسی؛
۶. محدودیت منابع مالی؛
۷. نداشتن منابع اصلی مانند: پایگاه‌های اطلاعاتی رسمی به صورت اینترنتی؛
۸. به روز نبودن و غیراستاندارد بودن امکانات، ابزارها و محصولات، در حوزه آموزش زبان و ادبیات فارسی؛
۹. عدم تطبیق محتوای متون انتخابی آموزشی با نیازهای منطقه؛
۱۰. کند بودن چرخه تولید و توزیع منابع؛
۱۱. نبود محتوا برای آموزش زبان فارسی در اینترنت؛
۱۲. ضعف در بهره‌برداری از فضای مجازی؛
۱۳. خدمات دیجیتال ضعیف آموزش زبان فارسی؛
۱۴. نداشتن ارتباط مستمر با شبکه‌های مرتبط با گسترش زبان و ادبیات فارسی.

۷-۹ نقاط ضعف منطقه آفریقای زیرصحرا

۱. عدم رویکرد فرا مذهبی در توسعه و تداوم امر آموزش زبان فارسی از سوی مسئولان و دست‌اندرکاران ج.ا.ایران؛
۲. تأمین مادی و معنوی مقطعی ج.ا.ایران که استمرار و ثبات را از آموزش زبان فارسی در آن کشورها می‌گیرد؛
۳. بهره‌گیری ضعیف از ظرفیت‌های فرهنگی، زبانی، دینی و... مشترک در کشورهای اسلامی که مخصوصاً دارای جمعیت مسلمان و یا شیعه و نزدیک به فرهنگ و عقیده ایرانی هستند، مانند مسلمانان و ساکنان شیعه و ایرانی‌الاصل جزایر شرقی از قبیل زنگبار، مومباسا، کومور و...؛
۴. نبود انسجام و سازمان‌دهی در امر آموزش زبان فارسی در آن کشورها چه در زمینه روش‌ها و چه در محتوای آموزشی؛
۵. سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی ضعیف ج.ا.ایران، تعداد کم مراکز اقتصادی ایرانی به عنوان فرصت‌های شغلی ویژه بومیان؛
۶. کمبود اساتید متخصص در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (آزفا) و در نتیجه کاهش کیفیت آموزشی؛
۷. عدم وجود یک برنامه جامع در خصوص انتخاب، توجیه و آموزش در اعزام اساتید زبان فارسی به خارج از کشور، (برخی از اساتید اعزامی آشنایی دقیقی از محیط، روش آموزش و شیوه برخورد با مخاطبان خارجی در منطقه معین را ندارند)؛
۸. اولویت نداشتن آموزش و گسترش زبان فارسی در برنامه نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران؛
۹. عدم نظارت و ارزشیابی کارآمد در امر تدریس اساتیدان اعزامی و نقص اطلاعات موجود نسبت به روش تدریس اساتید؛
۱۰. غیرمتخصص بودن برخی اساتید به‌کارگرفته شده در آموزش زبان فارسی به طوری که گاهی مشاهده می‌شود اساتید شاغل در رشته‌های دیگر، مانند فلسفه، مهندسی و... به تدریس زبان فارسی می‌پردازند؛
۱۱. کمبود کتابخانه‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی و آزمایشگاه زبان که در سطح کیفی آموزش و اعتبار علمی آن نقش به‌سزایی دارد؛
۱۲. وجود نگاه نادرست نسبت به آفریقای غیر عرب به عنوان منطقه فقیر و خطرناک؛
۱۳. عدم کاربرد مدارک آموزشی ارائه‌شده در زمینه زبان فارسی و... در کشورهای منطقه، به دلیل فقدان اعتبار فراملی؛

۷-۱۰ منطقه آمریکای لاتین:

۱. نبود رایزنی فرهنگی در غالب کشورهای آمریکای لاتین و عدم استقبال وزارت امورخارجه از حضور نمایندگی فرهنگی در منطقه
۲. پیشینه ضعیف حضور آموزش زبان فارسی در منطقه و در نتیجه: فقدان رویکرد و روش‌های مناسب برای آموزش زبان فارسی، نبود ابزار و منابع مناسب آموزشی و کمک آموزشی و عدم پشتیبانی لازم در اعزام اساتید
۳. دولتی بودن و دولتی ماندن آموزش زبان فارسی
۴. عدم شناخت صحیح و کافی از منطقه
۵. عدم تفکیک حوزه مخاطب عمومی با مخاطب تخصصی
۶. کمبود محتوای آموزشی مناسب و عدم دسترسی به منابع مناسب آموزشی با توجه به نوع مخاطب

۷. عدم آشنایی بسیاری از استادان اعزامی با زبان و فرهنگ اسپانیولی
۸. عدم برقراری ارتباط مؤثر توسط سفارتخانه‌های ایران با دانشگاه‌ها و مراکز علمی کشورهای منطقه
۹. توجه سیاستگذاران ایرانی به آمریکای لاتین به عنوان یک امر کلی، بدون در نظر گرفتن خصوصیات هر کشور
۱۰. اجرایی نشدن مفاد مربوطه در موافقتنامه‌های فرهنگی
۱۱. عدم توانایی و امکانات لازم برای پوشش دهی جریان جذب فارسی‌آموزان
۱۲. کمبود منابع مالی
۱۳. ادغام نگاه تبلیغی، ایدئولوژیک و سیاسی با مسائل زبان فارسی
۱۴. فقدان مهارت لازم، در بکارگیری راهکارهای فرهنگی در ارتباط با کشورهای منطقه
۱۵. عدم تلاش و اقدام جدی از سوی سفارتخانه‌های ایران برای حفظ کرسی‌های زبان فارسی در دانشگاه‌های کشورهای منطقه

۸. دسته‌بندی آسیب‌ها بر اساس مدل سه‌شاخکی

پس از جمع‌آوری نقاط ضعف سازمان‌های متولی آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان و با توجه به ضرورتی که در نظم‌دهی به ابعاد مختلف آسیب‌های شناسایی شده و بررسی آنها در قالب یک الگو جامع وجود داشت، و از آنجا که هدف ما تحلیلی بر آسیب‌ها بود، دسته‌بندی در سه سطح آسیب‌های مربوط به مدل سه‌شاخکی شامل ابعاد ساختاری، رفتاری و محیطی گویه‌ها به شرح جدول (۲) دسته‌بندی صورت گرفت:

جدول ۲: آسیب‌های سازمانی آموزش و گسترش زبان فارسی بر اساس مدل سه‌شاخکی

ردیف	عوامل ساختاری	عوامل رفتاری (محتوایی)	عوامل زمینه‌ای (محیطی)
۱	عدم هماهنگی و تصمیم‌گیری و سیاستگذاری نهادهای متولی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود بین سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران	رعایت نکردن آیین‌نامه‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی به نمایندگان فرهنگی در حوزه آموزش زبان فارسی	ضعف حضور اقتصادی ایران
۲	نبودن سند ملی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان	موضع تداومی برخی نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران در قبال سیاستگذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های نوین آموزشی و کارشناسی برخی از متولیان	قدرت اقتصادی بالای رقبای زبان فارسی
۳	نبود سازوکار ارزیابی و نظارت قوی جهت ارزیابی عملکردها و میزان و کیفیت تحقق برنامه‌ها؛	رعایت نکردن استاندارد مرجع آموزش زبان فارسی	نداشتن بازار کار برای فارغ-التحصیلان زبان فارسی
۴	کمبود بودجه و منابع مالی و عدم توسعه کلاس‌های آموزشی	عدم بهره‌مندی نظام آموزش زبان فارسی در خارج از ایران از مدرسان متخصص و مجرب	کمبود اساتید متخصص در زمینه آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان (آزفا) و در نتیجه کاهش کیفیت آموزشی
۵	عدم سازوکارهای مناسب برای توانمندسازی نیروی انسانی بومی (نمایندگان فرهنگی، استادان اعزامی، مدرسان بومی و ...) در نقاط هدف	توجه نداشتن به تربیت مدرسان بومی آموزش زبان فارسی	کمبود کتابخانه‌های تخصصی زبان و ادبیات فارسی و آزمایشگاه زبان که در سطح کیفی آموزش و اعتبار علمی آن نقش به‌سزایی دارد؛

۶	عدم بهره‌مندی کافی نیروی انسانی اعزامی از مهارت‌های لازم و اطلاعات لازم از فرهنگ جامعه مخاطب برای حضور قوی در منطقه	عدم پذیرش لزوم یادگیری شیوه-های نوین آموزش زبان فارسی توسط برخی مدرسان	نبود برنامه‌ریزی صحیح و آینده‌نگر برای اشتغال فارسی‌آموزان خارجی
۷	نبود امکانات آموزشی نوین مانند شبکه‌های ماهواره‌ای ویژه کودکان، آموزش آنلاین در حوزه آموزش زبان فارسی و وضع نامناسب آزمایشگاه‌های زبان در دانشگاه‌ها و عدم به‌کارگیری امکانات نوین در عرصه رسانه‌های صوتی و تصویری؛	به‌روز نبودن سرفصل‌ها و منابع آموزشی	توجه نداشتن به دست‌یابی اشتراکات فرهنگی با گرایش‌های مخاطبان ما در آن جامعه
۸	عدم رعایت شیوه‌های آموزشی نوین و مناسب	غلبه کمیت بر کیفیت برخی کلاس‌های آموزشی توسط رایزنی‌های فرهنگی ج.ا. ایران	فقدان سرمایه‌گذار خارجی در امر آموزش زبان فارسی
۹	قائم به فرد بودن مدیریت نظام آموزش زبان فارسی در استفاده از محتوای آموزشی	استقبال برخی کارشناسان صف از شیوه‌های سنتی آموزش زبان فارسی	عدم پیوند بین کرسی‌های زبان فارسی و ایران‌شناسی با دانشگاهی داخل کشور
۱۰	آمیختگی متون زبان فارسی با مسائل ایدئولوژیک	پایین بودن توانایی تخصصی نیروی انسانی در امر آموزش زبان فارسی (مدرسان بومی، نمایندگان فرهنگی، استادان آژفا و ...)	کم‌توجهی به سمن‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد در کشورهای مختلف و استفاده نکردن از ظرفیت‌های مؤسسات فرهنگی بین‌المللی
۱۱	فقدان سرفصل‌های تعریف‌شده برای دوره‌های زبان فارسی و کتاب‌های درسی مناسب	استاندارد نبودن آزمون‌های پایان دوره و المپیادهای زبان فارسی در خارج از کشور	www.anjomansfarsi.ir
۱۲	همسو نبودن برنامه‌ریزی‌های راهبردی مطلوب در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آموزش زبان فارسی	پایین بودن انگیزش مدرسان بومی و دانشجویان متقاضی	۱۳۹۹ - چهارمین همایش ملی آموزش زبان فارسی
۱۳	ضعف سیستم نیازسنجی	ایجاد انگیزه نکردن در فارسی-آموزان	
۱۴	بی‌توجهی به بعد دیپلماسی عمومی و در نتیجه غفلت از ارتباط با مخاطبان عام	سلیقه‌ای بودن اعطای راتبه‌های تحصیلی به فارسی‌آموزان خارجی	
۱۵	عدم جدیت سازمان‌هایی مانند میراث فرهنگی و گردشگری برای برنامه‌ریزی در زمینه روابط گردشگری میان مردم این کشورها؛ درحالی‌که کشورهای رقیب مانند ترکیه در این زمینه موفق عمل کرده‌اند؛	برخورد سلیقه‌ای نمایندگی‌ها با فعالیت‌های فرهنگی در حوزه آموزش زبان فارسی	
۱۶	عدم حمایت کافی از نخبه‌های ایران دوست و ایران‌شناسان	نبود تعامل مفید بین سفارت‌خانه‌ها و سایر نهادهای ایرانی	
۱۷	پایین بودن حق‌التدریس مدرسان بومی زبان فارسی	ناتوانی در جذب سرمایه‌گذاری خارجی در حوزه مرتبط آموزش زبان فارسی	

۱۸	بی‌توجهی به رصد و پایش کلیه اطلاعات لازم برای تسهیل امر آموزش و گسترش زبان فارسی در جهان	ارتباط نداشتن تحصیلات مدرسان با حوزه آژفا
۱۹	عدم استفاده از ظرفیت اتاق‌های ایران در جهت اهداف آموزش زبان فارسی	استمرار آثار منفی سوء مدیریت گسترش زبان فارسی در سال‌های قبل به دلیل عدم تمرکز فعالیت متولیان؛
۲۰	کند بودن چرخه تولید و توزیع منابع آموزشی	عدم دسترسی به منابع مناسب آموزشی
۲۱		عدم تفکیک حوزه مخاطب عمومی با مخاطب تخصصی در آموزش زبان فارسی
۲۲		اتخاذ سیاست انفعالی برخی مسئولان فرهنگی
۲۳		عدم توجه به ظرفیت نهادهای متولی موفق

۹. نتیجه‌گیری

هر کشور با بازشناسی ارزش‌های فرهنگی قابل طرح در سطح جهان، یا همسو با ارزش‌های جهانی، منطفه‌ای و کشوری و بهره‌برداری از آنها در راهبرد فرهنگی خود، در جریان جهانی شدن فرهنگی سهم بیشتری از مشارکت جهانی را کسب می‌کند و به نتایج مطلوب خود نزدیک‌تر می‌شود. این به معنای افزایش قدرت نرم در سطح جهان است. فرهنگ‌ها و تمدن‌هایی که از وجود ارزش‌های جهانی کمتری برخوردارند از قدرت نرم کمتری بهره می‌برند. زبان و ادبیات فارسی در این راستا فرهنگ کهن و غنی ایران اسلامی را در بر دارد و یکی از مهم‌ترین منابع دیپلماسی عمومی و قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران را تشکیل می‌دهد. اما در صورتی این منبع عظیم قادر به ایجاد حوزه تعامل فرهنگی است که عناصر ارزشی و نگرشی انتخاب شده برای ترویج، بر اساس نیازها و خلاءهای موجود در جامعه مخاطب گزینش شوند. پس گام اولیه در این راه عبارت است از شناسایی عوامل محدودکننده داخلی و نقاط ضعف‌های کل، ی به ویژه در ارزش‌های حاکم بر یک سازمان (فرهنگ سازمانی) که در پرتو مطالعه محدودیت‌های داخلی می‌توان راهبرد انتخابی را هدفمندتر و روشن‌تر تبیین کرد. بدون شک برنامه‌ریزی برای حفظ، آموزش و گسترش زبان فارسی در خارج از کشور زمانی محقق می‌شود که پیش‌نیازهای آن رعایت شوند. چنانچه به آسیب‌ها توجه نشود هیچ برنامه‌ای نمی‌تواند حداقل اثربخشی را داشته باشد. بنابراین لازم است آسیب‌های بنیادی شناسایی شوند. از جدی‌ترین این آسیب‌ها عدم هماهنگی و تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری نهادهای متولی آموزش زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان و مشکلات و ناهماهنگی‌های موجود بین سفارتخانه‌ها و نمایندگی‌های فرهنگی ج.ا.ایران است. متولیان «به جای رفاقت، بر طبل رقابت می‌کوبند و به جای تعامل، مشی تقابل را در پیش گرفته‌اند» (صحرايي، ۱۳۹۸) اما آنچه در این پژوهش قابل توجه است آنکه بر اساس مدل سه شاخکی عوامل زمینه‌ای از همه عوامل مهم‌تر هستند. (شاخه زمینه مهم‌تر و اصلی‌ترین شاخه است و نه تنها باعث بقاء و رشد دو شاخه دیگر می‌شود بلکه بوجود آورنده دو شاخه دیگر در سازمان نیز خواهد بود) (اسفندیاری و همکاران، ۱۳۹۰). در این عامل اقتصاد نقش اصلی را دارد. چنانچه اقتصاد یک کشور در خارج و در داخل حامی زبان آن کشور باشد بدون شک برافزایش تقاضا تأثیرگذار خواهد بود. همچنین نکته قابل توجه دیگر عوامل رفتاری و محتوایی است که با توجه به تأثیر و پیوستگی عوامل ساختاری نیاز به برنامه‌ریزی جدی در این زمینه دارد. البته باید به این امر هم توجه کرد که در این آسیب‌شناسی بیش از آنکه به عوامل محیطی و زمینه‌ای توجه شود به عوامل رفتاری و ساختاری توجه شده است. به عبارت دیگر کانون توجه مطلعین کلیدی به سمت مسائل فردی و رفتاری (درون‌سازمانی) بوده است. بنابراین جای دارد شناخت جامعه مخاطبان و گروه‌های هدف امری اولویت‌دار در برنامه‌ریزی‌ها باشد. بعد از بکارگیری روش علمی نیازسنجی از وحدت رویه در نظام آموزشی و فرایندها نباید غفلت کرد. چنانچه ساختار رعایت شود، فرهنگ سازمانی و سبک‌های رفتاری و محتوایی نیز اثربخش‌تر خواهد بود.

پی‌نوشت‌ها

- [۱]. در مشاهده مستمر هر یک از اعضای شورای راهبردی در منطقه به مدت طولانی حضور داشته و با روش مشاهده مستقیم اطلاعات بدست آمده به محققین انتقال داده شد از طرف دیگر در جلسات شورای راهبردی برگزار شده توسط رئیس جلسه برای قوی‌تر شدن رویکرد امیک به موضوع ایشان به‌مثابه‌ی مشارکت‌کننده^۱ داده‌هایی را به اعضای شورا می‌دادند یعنی مشارکت‌گر به‌مثابه‌ی مشاهده‌گر^۲ برای بازآوری داده‌های اطلاعاتی راجع به سؤالات باز خواسته شده دریافت می‌کردند.
- [۲]. در شوراهای راهبردی از افرادی برای حضور دعوت بعمل آمد که در میدان تحقیق حضوری مستمر و نسبت به شناخت فرآیندها، فضاها، موقعیت‌ها و جو کلی حاکم بر فضای پروژه آگاهی داشتند و مصاحبه‌های متمرکز صورت گرفته نیز تا اشباع نظری^۳ [۴] با در نظر داشتن حد کفایت مطلعین و مراجع تا رسیدن به پاسخ‌های تکراری روند آن ادامه داشت.
- [۳]. تلخیص معنایی: روش تحلیل متمرکز بر معنا در مصاحبه‌های کیفی که در آن عبارات‌های طولانی‌تر به عبارات‌های کوتاه‌تر تبدیل می‌شوند و در آن مفهوم یا مفاهیم عمده‌ی بیان‌شده در کلمه‌ها تا حدی باز - عبارت‌بندی می‌شوند (محمدپور، ۱۳۸۹: ۱۷۵).
- [۴]. اشباع نظری: اشباع نظری به مرحله‌ای از گردآوری داده‌های کیفی اطلاق می‌شود که در آن پاسخ‌های داده‌شده به سؤال‌های پژوهش کافی به نظر می‌رسند، زیرا داده‌های گردآوری‌شده مشابه و تکراری می‌شوند (محمد پور، ۱۳۸۹: ۲۳۹ به نقل از کوربین و اشتراکس، ۲۰۰۸: ۲۹۲).

منابع و مأخذ

- اسفندیاری، عاطفه، نکوئی مقدم، محمود، محمدی زینب، نوروزی، سمانه و اسماعیلی، محمدرضا، *آسیب‌شناسی منابع انسانی در دانشگاه علوم پزشکی کرمان با استفاده از مدل سه شاخگی*، فصلنامه علمی دانشگاه بهداشت یزد سال دهم شماره سوم و چهارم، ۱۳۸۹: صص ۱-۱۲
- حریری، نجلا، *اصول و روش‌های پژوهش کیفی*، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی - واحد علوم و تحقیقات، ۱۳۸۵.
- رحیمی، حمید، سیادت، علی، هویدا، رضا، شاهین، آرش و بختیار نصر آبادی، حسنعلی، *تحلیل عارضه‌های سازمانی دانشگاه‌های دولتی شهر اصفهان بر اساس مدل شش‌جمعیه از دیدگاه اعضای هیئت علمی و ارتباط آن با سلامت سازمانی و کیفیت محیط کار*، فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۵۸، ۱۳۸۹: ۱۹-۳۹.
- صادقی، محمد مسعود، بررسی وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۳. راهبردهای گسترش زبان فارسی در خارج از کشور، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰. www.ajomaniarsi.ir
- صادقی، محمد مسعود، وضعیت دیپلماسی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران ۴. آسیب‌شناسی دستگاه‌های متولی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، ۴-۱۵
- گروه مؤلفان، *سند راهبردی آموزش زبان فارسی در جهان*، چاپ اول، تهران: بنیاد سعدی، ۱۳۹۶.
- مانزینی، آندرو، *آسیب‌شناسی سازمانی با رویکردی کاربردی به حل مشکل و بالندگی در سازمان*، مترجمان: علی عطا فر، مرضیه قبادی‌پور، سعید انالویی، اصفهان: دانش پژوهان برین: ارکان دانش، ۱۳۸۵
- محمدپور، احمد، *ضد روش: منطق و طرح در روش‌شناسی کیفی*، جلد ۱، تهران: جامعه‌شناسان، ۱۳۸۹.
- مقیمی، سیدمحمد، *کارآفرینی در نهادهای جامعه مدنی (پژوهشی در سازمان‌های غیر دولتی NGOs ایران)*، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۸۳.
- صحرايي، رضامراد، *عملکرد بنیاد سعدی در زبان فارسی قابل نقد جدی است*، (۹۸/۹/۲۴)، <http://www.ibna.ir/fa/doc/longint/284175/>

- Clayton P. Alderfer, "The Methodology of Organizational Diagnosis", American Psychological Association, 1990
- Milkovich, George T. and Bourdeau, *Personnel/ Human Resource Management: A Diagnostic Approach*, Business Publications, Inc., 5th ed, 2004.

1- Observer as Participator

2- Participator as Observer

3- Theoretical Saturation